

اصول، مفقود، ادعای موجود

هشدار به آخرین ولیعهد

>مطلبی که همه درباره اش میگویند نمیتواند یکسره
بی اساس باشد ولی میتواند کاملا غیراصولی باشد<

بخش سی و یکم (۳۱)

ضمیمه..

امیرفیض- حقوقدان

هنگام تحقیق و تنظیم تحریر منافقین و نامه هشدار^۱ متوجه شدم که نسبت به بند سوم ادعای منکران در نامه هشدار توضیح لازم داده نشده است، و تحریر خیلی ساده از کنار آن گذشته است، و اشاراتی هم که در تحریرات به بند مزبور شده دفاع و رد حقوقی محسوب نمیشود و اگر هم بشود راضی کننده تحریر نیست.

تحریر وقتی میتواند عنوان تحقیق راداشته باشد که لااقل خود تنظیم کننده تحریر آنرا در ردیف کار تحقیقی بشناسد یعنی از تحقیق راضی باشد.

واما بعد

توضیح برای اتصال موضوع

آگاهید که در ردیف اتهامات ناموجهی که از سوی منکران به اعلیحضرت نسبت داده شده، مسئله شکایت اعلیحضرت از خامنه ای است که منکران مدعی شده اند که:

>در سال ۲۰۱۲ حضرتعالی، خواستار پرونده جنایت علیه بشریت در ایران توسط شورای امنیت سازمان ملل شدید خواستی که در صورت جدی گرفته شدن میتواندست تحت فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد به توسل به زور انجامد، چنانکه در مواردی چون افغانستان و لیبی رویداد، و موجب از بین رفتن استقلال سیاسی ایران میگردد.<

بطلان ادعای مزبور:

تشبیه مورد به افغانستان و لیبی

تشبیه رویداد افغانستان که منجر به قطعنامه های ۱۲۱۴ و ۱۱۹۳ و رویداد لیبی که با قطعنامه ۱۹۷۳ در سال ۲۰۱۱ همراه گردید بکلی غلط و استفاده از آنها بجهت گمراهی است.

قطعنامه شورای امنیت علیه لیبی توسط کشورهای فرانسه، لبنان و بریتانیا به شورای امنیت پیشنهاد شد، و هدف قطعنامه مزبور آتش بس بین قوای دولتی و مردم و ایجاد منطقه ممنوعه پرواز و اتخاذ روشهای لازم برای حفظ غیرنظامیان و مردم لیبی بود.

این داستان با شکایت اعلیحضرت از خامنه ای بسیار متفاوت و اساسا تشبیه آن فکاهی است؛ شورای امنیت به شکایات و مطالبی رسیدگی میکند که از سوی سازمان ملل و یا کشورهای عضو شورا عنوان شده باشد نه یک فرد، از اهالی کشوری که علیه رهبران کشور شکایت دارد. آیا جایگاه حقوقی و صلاحیت فردی با کشور عضو شورای امنیت سازمان یکی است؟؟

✚ قطعنامه شورای امنیت افغانستان در جهت اجرای حقوق بشردوستانه صادر شده است که عملیات جنگی طالبان امنیت فردی و عمومی مردم افغانستان را گروگان گرفته بود و متن مفصل قطعنامه نشان میدهد که اقدامات جنگی خارج از ضوابط حقوق بین الملل عامل اصلی صدور قطعنامه است، و این حالت با موقعیت حقوقی شکایت اعلیحضرت از خامنه ای که عنوانش نقض آشکار حقوق بشر و ادعای تطبیق آن با جنایت علیه بشریت است بکلی دو چیز مختلف الموضوع و مفهوم و معناست.

سودان و عمر بشیر

◀ عمر بشیر رئیس جمهور سودان در سال ۱۳۸۷ به اتهام جنایات ضدبشری که در دارفور مرتکب شده و تعداد کشته شدگان را ۳۰۰ هزارتن و دومیلون و پانصد هزار آواره گفته اند، تحت تعقیب قرار گرفت و البشیر، ابا به تصمیم دادگاه کیفری اعتنایی نکرد، آیا شورای امنیت سازمان ملل از مواد ۴۱ و ۴۲ منشور علیه سودان استفاده کرد و استقلال سیاسی سودان از دست رفت؟

تصمیم دادگاه کیفری نسبت به محکومیت البشیر سبب اعتراض کشورهای چین، روسیه، ایران و تقریبا عموم کشورهای آفریقائی شد و آن تصمیم حرکت اجرایی نیافت و البشیر هم علیرغم تصمیم دادگاه بین المللی مبنی بر بازداشت، به سفرهای بین المللی خود ادامه داد و اکنون هم رئیس جمهور سودان است.

کمپین تحریم ها

◀ همین روزها یک کمپین سی تنی ضمن نامه ای از آقای ترامپ خواسته اند که تحریم هایی بیشتری را به ایران تحمیل کنند کارشناسان عقیده دارند که این درخواست میتواند با پیامد هائی از جمله حمله نظامی آمریکا به ایران همراه گردد.

آیا یکتن از آن گروه ۵۰ نفری منکران، اعتراضی به این اقدام افراطی که بمراتب خطر جنگی آن با شکایت اعلیحضرت از خامنه ایی بیشتر است کرده اند؟ البته که خیر؛ زیرا در شکایت علیه اعلیحضرت، هدف اتهام سازی و تحقیر است نه نگرانی از منافع ایران.

گزارشات احمد شهید

◀ در گزارشات مکرر آقای احمد شهید که گزارشگر حقوق بشر سازمان ملل است، صد بار دقیق تر و سنگین تر از اتهاماتی که در شکایت اعلیحضرت از خامنه ای منظور گردیده همراه شاهد و سند

به سازمان ملل ارائه شده است، حتی سرکشی و مخالفت جمهوری اسلامی با همکاری و قبول توصیه های احمد شهید هم ذکر شده؛ آیا سازمان ملل موضوع رابه شورای امنیت احاله داد تا آن شورا طبق ماده ۴۲ دستور اقدامات نظامی علیه ایران رابدهد؟

◀ در چند سال قبل آقای علی میرفطروس بارها از دولت آمریکا درخواست کرد که علیه جمهوری اسلامی اقدامات نظامی دقیق (جراحی شده) انجام دهد. آقای اسماعیل نوری علاء هم از میرفطروس با عنوان خدا یاد کرد، که بالاتر از نماد ملی است، آیا یکی از این منکران به دعوت آقای میرفطروس از آمریکا برای عملیات جنگی دقیق اعتراض کردند؟ البته که خیر؛ زیرا هدف تشکیل دهندگان محکمه صحرانی استقلال و نگرانی از تهدید آن نبود بلکه منظور تخریب شخص اعلیحضرت بود.

رویه قضائی

گرچه با توجه به مراتب معروضه، نیازی به ارائه دلایل بیشتری نیست ولی برای استحکام کامل این تحقیق این توضیح هم بجاست:

رویه قضائی به مجموعه اقداماتی گفته میشود که ناظر بر عمل دادگاه است، که آن مجموعه همانند قانون مراعات میگردد. همین ضابطه در حقوق بین الملل، نیز ناظر و ساری است و اساسا حقوق بین الملل مجموعه ای از رویه های بین المللی است، مقصود از رویه قضائی در این تحریر این است که در امور حقوقی سابقه مورد، حمل برواقع است یعنی اگر مورد رسیدگی سابقه مشابه داشته باشد در جریان رسیدگی قرار میگیرد و اگر سابقه نداشته باشد نمیتوان انتظار قبول آنرا داشت.

این تحقیق برای اثبات اینکه شکایت افراد به هیچوجه موثر در مقام رسیدگی سازمان ملل متحد و یا شورای امنیت نیست به مواردی اشاره میشود که شاکیان افراد خصوصی هم وزن حقوقی رضا پهلوی! بوده اند ولی سازمان ملل و شورای امنیت توجهی به شکایت آنان نکرده است.

نمونه اول ایران آزاد

در سال ۵۸ که خمینی رهبر جمهوری اسلامی، غاصب ایران بود، راسا دبیرکل سازمان ملل متحد از شورای امنیت خواست جلسه ای ویژه برای رسیدگی به مسئله گروگان گیری کارمندان سفارت در ایران تشکیل دهد > این بزرگترین بحران جهانی پس از قضیه استقرار سلاح های اتمی در کوبا است که دبیرکل سازمان ملل متحد خواستار آن است<، این خبر وقتی در جرائد فرانسه منتشر شد روزنامه ایران آزاد آنرا گرفت و در ذیل آن نوشت:

>ایران آزاد از تشکیل این جلسه استقبال میکند و از اعضای شورای امنیت، وجدان جهان آزاد و همه مردم دنیا میخواهد که فریاد وطن پرستان و میلیون ایران را بشنوند.

۱- از شورای امنیت سازمان ملل میخواهیم که در جلسات خود به جنایات و غارتگری های آخوند های مستقر در ایران به سرپرستی روح الله خمینی رسیدگی کرده و یک کمیته بررسی بمنظور اقدامات غیر قانونی، قتلهای انجام شده به وسیله باصطلاح دادگاه های انقلاب خمینی و تعیین خسارات وارده به ملت ایران انجام دهد.....

۲- از شورای امنیت سازمان ملل می‌خواهیم که پذیرش هرگونه درخواست دارو دسته خمینی در زمینه رسیدگی به اوضاع گذشته کشور را موکول به رسیدگی همزمان به اوضاع و شرایط کنونی ایران بنماید

۳- از شورای امنیت می‌خواهیم که توجه کند دارو دسته خمینی براساس قوانین بین المللی و تعاریف پذیرفته شده و عرف دیپلماسی دولت قانونی به حساب نیاید و تنها باید بعنوان گروهی اشغالگر به درخواستشان رسیدگی شود.*

۴- از ایرانیان مقیم خارج و داخل ایران می‌خواهیم که با تهیه مدارک فراوانی که از جنایات و خیانت‌های روح الله خمینی و اقوام و همدستانش وجود دارد و ارسال آنها به مجامع بین المللی خواستار توجه جهانیان به ستمی که بر میلیون ها هم وطن مامیرود شوند.

۵- ایران آزاد گروه های ویژه ای از وطن پرستان ایرانی را مامور بررسی و تهیه دادخواستی بر علیه خمینی و دارو دسته او به منظور طرح درمراجع بین المللی به ویژه درارکانهای سازمان ملل متحد کرده است راهنمایی هابیشتر در آینده صورت خواهد گرفت <.....>

برداشت از سند مزبور

◀ شکایت اعلیحضرت ازخامنه ای حدود ۳۲ سال بعد از طرح شکایت جمهوری اسلامی علیه شاه و نیز دخالت گروه ایران آزاد در طرح شکایت از شخص خمینی و جنایات ضد بشری او بوده است.

اگر سیاق حقوقی سازمان ملل وارد بر شکایات از شخصیت ها بود مسلما دعوی مطروحه جمهوری اسلامی علیه شاهنشاه که با پیش در آمد موافقت هم همراه بوده ادامه میافت و باز اگر رویه سازمان ملل رسیدگی به درخواست و شکایت افراد علیه شخصیت کشورها بود به شکایت گروهی ایران آزاد توجهی نشان میداد.

نمونه دیگر

◀ در ایران آزاد شماره ۸ مورخ چهارشنبه ۲۲ اسفند سال ۸۵ خبری منعکس شده که عینا به اینجا آورده میشود:

در تاریخ ششم اسفند ماه ۱۳۵۸ یک وکیل دادگستری ایرانی بنام امیر ح. امیرفیض طی نامه ای به کورت والد هایم دبیرکل سازمان ملل متحد بر علیه هیئت حاکمه ایران اعلام جرم کرده است و تقاضای رسیدگی و کمیسیون اعزامی سازمان ملل به ایران رابه شکایت خود کرده این وکیل پایه یک دادگستری اعدام هزاران تن از شخصیت های سیاسی و نظامی و کارمندان دولت و حتی جوانان کمتر از ۱۶ سال رابه عناوین مختلف در ۱۳ ماه اخیر، مصادره غیرقانونی اموال مردم و عدم رعایت موازین حقوقی و اصول حقوق بشر در دادگاه های ایران را پایه اصلی ادعای خود قرارداده است، امیرفیض همچنین اعلام آمادگی کرده است که در صورت تامین امنیت جانی و حقوقی کافی به عنوان وکیل مدافع از شکایات شاکیان خصوصی پرونده های دادگاه های انقلاب دفاع نموده و ادعای خویش را درزمنه اعلام جرم ثابت کند.

◀ در این مورد ملاحظه میکنید که سطح حقوقی شکایت امیرفیض واجد همان است که سطح حقوقی شکایت رضا پهلوی است و سازمان ملل هر دو شکایت را بدور از وظائف و موازین حقوقی مورد عمل سازمان ملل و شورای امنیت دانسته است.

یک کمیون دیگر

در سال ۲۰۰۸ یک کمیونی تحت عنوان <پرونده جمهوری اسلامی دردادگاه لاهه> در خارج از کشور بر راه افتاد که بوسیله آقای فرشاد حسینی و خانم مینا احدی مدیریت میشد.

اسناد نشان میدهد که کمپین مزبور با همه تلاشی که کرد موفق به کشیدن سران جمهوری اسلامی به دادگاه لاهه نشدند و اساسا سازمان ملل اعتنایی به درخواست آنها ننمود.

ایران تریونال

قوی ترین و وسیع ترین شکایت علیه جمهوری اسلامی به اتهام جنایت علیه بشریت نسبت به کشتار سال ۶۷ توسط مجاهدین خلق انجام گرفت که با همه امکانات مالی و نفوذ سیاسی و شخصیهای جهانی موفقیتی در دادگاه لاهه نداشت و با تشکیل یک دادگاه مجازی که نام آنرا دادگاه مردمی نهادند سرقضیه به هم آمد.

اکنون بررسی

◀ اکنون پرسش پیش رو این است که آیا ظرف سی سالی که از شکایات علیه جمهوری اسلامی توسط افراد میگذرد حتی یک ایرانی میهن پرست که نگران شمول ماده ۴۲ منشور سازمان ملل به جمهوری اسلامی و در نتیجه تجاوز به استقلال سیاسی ایران باشد نبوده است؟

آیا هنگامیکه؛ به شکایت آژانس بین المللی اتمی، پرونده ایران به شورای امنیت رفت و با قطعنامه های مشخص در ماده ۴۱ مواجه شد و احمدی نژاد هم قطعنامه های شورای امنیت را بی اعتبار خواند و احتمال استفاده شورای امنیت از ماده ۴۲ فراهم بود چرا هیچ محکمه صحرایی تشکیل نشد و احساسات میهن پرستی! منکران بجوش نیامد مگر وقتی که از خامنه ای شکایت شد؟

آری؛ پس از آنکه رضایپهلوی علیه خامنه ای طرح شکایت کرد، این منکران از مزرعه مجاهدین خلق پیدا شدند؟ و نگرانی آنها نسبت به استقلال ایران تابه آن حد رسید که محکمه صحرایی تشکیل دهند، آیا این باورکردنی است یا انگیزه واقعی از طرح موضوع بهانه برای تهاجم نسبت به اعتبار اعلیحضرت بوده است؟

دست آورد این ضمیمه

◀ موارد مزبور که مسلما منحصر به همان موارد اشاره شده نیست، نشان میدهد که اقدام به شکایت علیه خامنه ای از سوی رضایپهلوی تکرار امر سابقه داری بوده که سابقه آن در عدم تحویل و توجه سازمان ملل محدود شده است.

بطورحتم شکایت علیه شخصیت های جمهوری اسلامی محدود به موارد بالا نیست ولی برای استنتاج نتیجه همان موارد کافی است خاصه که اگرحتی یکی از شکایات های علیه جمهوری اسلامی وارد مرحله تعقیب شده بود سروصدای آن همه را متوجه ماجرا میکرد.

علت امتناع دادگاه لاهه

◀ علت بی اعتنائی سازمان ملل ودرنهایت عدم توجه دادگاه لاهه ویا مراجع بین المللی مسائل سیاسی ویا نظری نیست؛ چارچوب اساسنامه دیوان لاهه است که شکایات مورد اشاره وازجمله شکایت اعلیحضرت را درمقام جریان قرارنمیدهد.

یادم هست همان موقع که شکایت اعلیحضرت علیه خامنه ای مطرح شد، درتحریری به اشکالات آن شکایت وعدم تطبیق آن با اساسنامه لاهه اشاراتی شد.

◀ دادگاه لاهه نمیتواند وحق ندارد، به شکایاتی رسیدگی کند که درصلاحیت کشورهاست مگر اینکه دادگاه های آن کشور قادر نباشند به جرائمی که دراساسنامه دیوان ذکرشده رسیدگی کند؛ که این مورد بسیار کم است که کشوری عجز خود را درتعقیب متهمی که تابعیت همان کشور را دارد اذعان کند.

◀ اساسنامه محدودیتی خاص نسبت به کیفیت دعاوی قائل شده ازقبیل اینکه اگر دولت بعنوان مصالح ملی مایل به تعقیب متهمی نباشد، دادگاه لاهه دخالت نمیکند ویا اگرمتهمی قبلا درداخل کشور محاکمه شده ویا تبرئه شده دادگاه لاهه دخالت نمیکند.

متوجه هستید که ماده بالا تاچه حد ایجاد مصونیت برای روسای کشورها کرده است.

◀ شرط مهم دیگراینکه اگرموضوع اتهام محدود به موارد جنایات جنگی - جنایات ضد بشریت - کشتار جمعی باشد وحقوق جنائی کشور اعمال مزبوررا قابل رسیدگی بدانند دادگاه لاهه دخالت نمیکند.

قوانین کیفری جمهوری اسلامی تمام موارد ذکرشده دربالا که دراساسنامه دیوان مقرر است را درخود دارد.

دستآورد

۱- یکمین دستآورد اینکه نامه هشدار ایدا آنطور که ادعا شده ازسوی حقوقدانان تنظیم نشده و گرنه گاف ذکرشده رعایت میگردید.

۲- هر حقوقدانی برای طرح شکایت اول به صلاحیت دادگاه رجوع میکند وبیگدار به آب نمیزند مثلا به جای اینکه به دادگاه حقوقی رجوع کند به دادگاه کیفری عرضحال بدهد.

خیز انتقامی

◀ دستاورد دیگر اینکه؛ ابدا بحث بی احتیاطی ویا عصبیت نسبت به منافع کشور و امثال آنها نمیتواند انگیزه نامه هشدار و پیامدهای آن باشد معمولا خیزهای انتقامی است که مانع از رعایت ساده ترین چیزها میشود؛ نمونه آنرا میتوان در خانم فیروزه غفارپور و بردیا قلابی دید، اینان سالها در دبیرخانه مقام وموقعیتی داشته و بهرحال منتفع بوده اند پس از برکناری اگر مردمانی بی جوهر و پست باشند در موقعیت خیز انتقامی قرار میگیرند، و اصلا نمیفهمند که چه میکنند و چه میگویند مثلا همین خانم غفارپور وقتی بی شرافتی اعلیحضرت را تائید میکند متوجه نیست که بعلت تماس کاری با اعلیحضرت، تنها کسی است که صلاحیت درباره شرافت کارفرمای خودش را داشته است. خیزهای انتقامی حالی شبیه به جنون آبی است.^۲

خیز های ناشی از کینه و انتقام است که انسان برهرچیز ناموزون عوامل موزون را استوار میسازد و بر مبنای اگر، شاید، احتمال، وهم و امثال آنها اهداف خود را آویزان میکند وحتی آدم میکشد، چنانکه منکران درلباس توهم و با استفاده از چند **اگر** و این که **اگر** دبیرکل سازمان ملل شکایت رضاپهلوی را وارد میدانست و **اگر** آن شکایت به شورای امنیت ارجاع میشد، و **اگر** آن شکایت با وتوی هیچیک از کشورهای عضو شورای امنیت روبرو نمیشد، و **اگر** شورای امنیت از ماده ۴۲ منشور استفاده میکرد و دستورجنگ علیه جمهوری اسلامی را میداد و ممکن بود که آن جنگ به استقلال سیاسی ایران صدمه بزند پس رضاپهلوی دشمن موجودیت ایران است.!

آنچه گفتم صحبتی از حق شمار
شمه ای بوده است ز افسونهای کار
غیر از این برمن نباشد افتخار
تا برای حق بسازم اعتبار

۲- در زمان آقای رامبد، کیف دستی پر از اسناد محرمانه ایشان در دفتر اعلیحضرت ناپدید میشود. یکی دویز پس از آن اسناد از سوی مجاهدین خلق بصورت آشکار در رسانه ها مطرح میشود. پس از رد یابی و پژوهش مشخص میشود تنها کسی که از وجود اسناد در آن کیف آگاه بوده و به آن دسترسی داشته است خانم فیروزه غفار پور بوده است، و پس از دزدیدن آن را در اختیار مجاهدین خلق گذاشته بود. (راوی شخصی بسیار معتبر و گرامی است). ح-ک